



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۶/۱۰

عبدالقیوم میرزاده

## پاکستان و ادامه بازی شیطانی اش در قبال افغانستان

بتاریخ ۲۲ جون سال ۲۰۱۹ پاکستان کنفرانس را زیر نام کنفرانس صلح لاهور راه اندازی کرد که در آن از یکجده شخصیت های مخالف حکومت افغانستان چون حنیف اتمر، لطیف پدram، عطامحمد نور، محمد کریم خلیلی، محمد محقق، گلبدین حکمتیار و عده دیگر از همچو افراد رده های رهبری تنظیم های جهادی که سالهای مدیدی روابط تنگاتنگ با پاکستان و سازمان استخبارات نظامی آن داشتند به شمول یک نماینده از عبدالرشید دوستم دعوت بعمل آوردند. کنفرانس را شاه محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان با بیانیه اغوا گرانه خویش که تکرار مکرر همان دروغ های اسلافش در باره دوستی با مردم افغانستان و آوردن ثبات و امنیت بود افتتاح کرد. او در بیانیه اش از دوستی عمیق کشورش با مردم افغانستان چند بار یاد آوری کرده و تأکید کرد که پاکستان در تأمین صلح در افغانستان کوشا بوده و بدنبال اصول احترام متقابل و عدم دخالت در امور یکدیگر میباشد و تأکید بر آن داشت که خواهان یک رئیس جمهور منتخب در افغانستان که نماینده تمام مردم باشد میباشد. تحلیل گران سیاسی به این باور اند که پاکستان با این اقدام نیرنگ شیطانی دیگری بر علیه افغانستان در نظر دارد.

از بررسی وضع و تدویر با عجله این کنفرانس بر می آید که پاکستان بوسیله افراد دعوت شده مخالف حکومت افغانستان که سالهای متمادی حلقه غلامی پاکستان را بر گردن داشتند و تا کنون هم دارند در پی تشدید بی ثباتی، تشدید اختلافات ذات البینی در میان نیرو های متشکله نظام، تشدید رقابت های سیاسی و آخر الامر سقوط حکومت در افغانستان که از شروع کار رئیس جمهور اشرف غنی شامل اجندای کار سیاسی و استخباراتی پاکستان است، میباشد. که این اقدامات بی ثبات ساز نه تنها هیچ کمکی به روند صلح در افغانستان نمیکند بلکه در آستانه سفر رئیس جمهور افغانستان که قرار است بنابر دعوت عمران خان صدراعظم پاکستان بتاریخ ۲۷ جون سالروان غرض ملاقات و گفتگو در باره مسایل امنیتی، تجارت و سایر مسایل منطقه و افغانستان به آنکشور سفر کند با این امتیاز که کارت برنده ای است بر دست اداره استخبارات نظامی پاکستان آنها مصمم اند از این کارت برنده در این ملاقات قریب الوقوع رهبران افغانستان و پاکستان برای تحت فشار قرار دادن رهبری افغانستان بهره برداری کنند.

بتاریخ ۲۴ جون در صفحات فیسبوک چند دوست محترم اخباری دست بدست میگشت که بر اساس یادداشت مقامات سفارت افغانستان در اسلام آباد پاکستان به وزارت خارجه افغانستان مشعر است که: « اداره استخبارات نظامی پاکستان ISI به مهمانان افغان اش که در کار کنفرانس شرکت داشتند مقادیر قابل توجه پول و سایر امکانات در اختیار قرار داده تا بتاریخ ۲۵ جون سالروان تظاهرات بزرگی را در شهر کابل راه اندازی کنند و این تظاهرات را به ذرایع که در دسترس دارند به خشونت بکشانند و در نتیجه با شعار و خشونت داکتر اشرف غنی را از ارگ برون کرده و حکومت مؤقت را جاگزین کنند».

همچنان تدویر این کنفرانس در آستانه تدویر دور هفتم مضحکه دوحه که قرار است بتاریخ ۲۹ جون ۲۰۱۹ با شرکت زلمی خلیل زاد و نماینده گان سازمان استخبارات نظامی پاکستان بنام طالبان دایر گردد هم نمیتواند به هیچوجه بی

رابطه باشد. احتمالاً نظامیان پاکستانی به همکاری دوستان وفادار افغان شان که در کار کنفرانس شرکت داشتند حرف های پشت پرده داشتند تا در مذاکرات طالبان با خلیل زاد از آن استفاده بعمل آید.

از طرف دیگر در همین اوضاع و احوال سفر از قبل اعلام نا شده مایک پو مپئو وزیر خارجه امریکا به کابل و مذاکرات اش با مقامات افغان رخ دیگری از فعالیت های بی ثبات ساز افغانستان و منطقه را میرساند. احتمالاً وزیر خارجه امریکا در پی جمع آوری نظریات رهبران منطقه در رابطه به حملات احتمالی امریکا به ایران و تأکیدات بیشتر بر رعایت تحریم ها در مناسبات اقتصادی با ایران گنجانیده شده باشد، زیرا عراق اخیراً به صراحت به امریکا هوشدار داد که آنها هرگز به امریکا اجازه نخواهد داد تا از خاک این کشور علیه ایران استفاده کنند. زیرا شروع یک جنگ آسان است و ختم آن بسیار مشکل و حتی نا ممکن میباشد.

پومپئو هم در نشست خبری که در سفارت امریکا در کابل برگزار بود بیان داشت: "به سود ایران نیست که روند صلح افغانستان را برهم بزند. امیدوارم ایران این را بداند. پیشرفت روند صلح افغانستان به سود تمام بازیگران منطقه است و غرب افغانستان مرز طولانی با ایران دارد. ما تمام تدابیر لازم امنیتی را روی دست می گیریم تا اگر ایران بخواهد دخالت هایش در افغانستان را افزایش دهد، با آن برخورد کنیم. ولی امیدواریم آنها تلاشی برای برهم زدن روند سیاسی افغانستان که ما در آن دخیل هستیم، نکنند". این حرکات ضرب المثل مشهور را در ذهن انسان تداعی میکند: (بز در جان کندن قصاب در پی چربو).

پاکستان که بصورت آشکار در امور افغانستان دخالت دارد، مخالفین و دشمنان قسم خورده افغانستان را اعاشه، اباطه، تعلیم، تربیه، تسلیح و غرض نابودی زیر ساخت های ما به داخل افغانستان گسیل میدارند و از این طریق روز تا روز کشور ما را به سوب بی ثباتی و حتی نابودی سوق میدهند جنابان امریکایی خم به ابرو نمی آورند. ایران را بوسیله مرز های طولانی اش با افغانستان تهدید میکنند.

همچنان در قسمتی از خبر نامه ارگ که بعد از ختم ملاقات محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان با وزیر خارجه امریکا انتشار یافت چنین آمده است: «رئیس جمهور کشور از تلاش های حکومت ایالات متحده امریکا به خاطر پروسه صلح افغانستان ابراز امتنان نمود و افزود که بهتر است تا کشورهای دوست و شرکای بین المللی از تلاش های پراکنده و انفرادی خود داری نمایند. رئیس جمهور غنی افزود که انجام تلاش ها و پیام ها به صورت منسجم و متحدانه در رابطه به صلح افغانستان، نتیجه بخش خواهد بود. اکثریت قاطع افغان ها خواهان صلح پایدار در کشور می باشند، اما نباید این صلح به قیمت از دست دادن ارزش ها و دست آوردهای که در اثر قربانی های مردم افغانستان به دست آمده است، تمام شود».

از خبر نامه ارگ چنین نتیجه گیری میتوان کرد که پو مپئو ارگ را برای پذیرش کلی و یا نسبی نتایج مذاکرات خلیل زاد و طالبان تحت فشار قرار داده است و احتمالاً مسئله استفاده از خاک افغانستان برای حمله به ایران موضوع مذاکرات جانبین بوده است.

میخواهم صراحتاً خطاب به همه هموطنان عزیزم برسانم که: آنچه در حاشیه و متن قضایای افغانستان از اهمیت فوق العاده برخوردار است همانا عدم درک مردم و دستگاه رهبری کشور ما از منافع ملی میهن شان می باشد.

همه کشور های جهان منجمله پاکستان، امریکا و دیگران برای تحقق اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور مطبوع شان با در نظر داشت اصول زرین منافع ملی شان از هر وسیله، امکان، طرق و شیوه های متعارف و نا متعارف بهره جسته و آن آرمان ملی شان را که منافع کل کشور شان را تأمین میکند بر آورده می سازند. اما هزاران حیف و افسوس که در کشور ما متأسفانه تا کنون تعریف دقیقی از منافع ملی ارائه نشده تا در پرتو آن مردم این آگاهی را داشته باشند که اگر مغایر آن خط حرکت کنند این خیانت ملی بوده و به شدید ترین مجازات محکوم میگردد و به این ترتیب در تمام سطوح اداره کشور، دستگاه امنیتی، اداره قضا و عدلی هم حرکت های مغایر خطوط زرین منافع ملی حیثیت خیانت ملی را کسب کرده و مرتکبین آن مورد مؤاخذه و بازخواست قانونی قرار گیرند.

بیشتر از چهار دهه بدینسو در کشور ما عرف معمول گشته است که ما خودهیچگاه پاسخگو نبوده و هر بلایی را که در اثر نا توانی و نا فهمی از منافع ملی کشور بر سر خود، مردم و کشور خویش آوردیم به اشتباهات خود معترف نباشیم و عامل های که در اثر عدم درک مردم از منافع ملی شان و اشتباهات فاحش رهبری و اداره حکومت صورت میگیرد به گردن مداخلات خارجی، تجاوزات بیگانگان و همسایگان، دست سازمانهای استخبارات خارجی و.... و..... می اندازیم. در اثر همین طرز برخورد همه اجزای متشکله حکومت و همه طیف های جامعه ما کم کاری ها، ضعف اداره، فساد، قاچاق، دزدی، خیانت ملی و هر کار نا روایکه خسارات فراوان جانی و مالی تا سرحد هست و بود کشور ما وارد می آورد به گردن تجاوز خارجی می اندازند. یعنی که ما همه از قاعده تا رأس هیچ تقصیری نداریم این همه ناروا ها از جانب متجاوزین بر ما نازل می گردد. ما که هر کدام ما بدون استثناً تیشه بدست خویش بر بیشه خود زده و هر روز خود را و کشور خود را بسوی نابودی کامل میکشاییم ما هیچ تقصیری نداریم. درس خوانده گان ما در سطح احزاب سیاسی، گروه های اجتماعی، اتحادیه های صنفی، تنظیم های جهادی و مشمولین جامعه مدنی به افتراقات خانه خراب کن مصروف اند، هر کدام انگشت ملامت بسوی آندیگری دراز کرده و او را عنصر دشمن قلمداد میکنند. در حالیکه ما همه با چاق ساختن این عناصر افتراق زیر نام تمامیت خواه، مهاجر، خراسان، تاجک، پشتون، اختلافات زبانی، شعیه و سنی، شمال و جنوب، پوهنتون، دانشگاه، افغان، افغانستانی و ده ها عنصر و حرکات ضد ملی دیگر در همین راستا با این دویدن ها و سبقت جستن ها در خود فروشی و وطن فروشی دیگر هیچ جای شک باقی نمی ماند که این ها همه عناصر دشمن هستند. بار ملامتی و مسئولیت تاریخی همه این خیانت ها بدوش آنهاست که امروز بصورت واضح در پی تضعیف پایه های حکومت مرکزی هستند و هر روز دسیسه ای جدیدی را عنوان کرده و بر بغرنجی اوضاع کشور می افزایند.

به باور من آنچه ما را از گذشته های دور تا امروز به کژراهه کشانده این همه مصیبت را برای ما و کشور ما ببار آورده فقط و فقط بی باوری و عدم درک منطقی مردم ما از منافع ملی یا به عباره دیگر نبود روحیه زیست باهمی و کار افغانستان شمول، دلبستگی به میهن مشترک، وابستگی با همدیگر و از خود بیگانگی هم در برابر هم میهنان و هم در برابر میهن در سطح کل کشور میباشد.

در این کشور بنام افغانستان حدوداً همه اقشار جامعه یعنی همه مردم، تقریباً همه مسئولین امور اداره و مشمولین زراعت، صنعت و اقتصاد، قلمه های بعدی و مردم عام اعم از مرد و زن بیشتر در پی منافع شخصی خودشان هستند. عطا محمد نور، برادران مسعود، همه قوماندانان و مسئولین سابق جهادی که امروز سرمایه های میلیونی اندوخته و انبار کرده اند از ترس اینکه اگر در قدرت سهم نباشند دارایی ها و سرمایه های شان به خطر می افتد، با حکومت مخالف اند. آنها هرگز به فکر مردم و منافع ملی کشور نیستند. اگر این نا بخردان یک درصد درکی از منافع ملی میداشتند مطالبات، طرح ها و خطوط فکری شان را با حکومت در میان میگذاشتند و به هر نحوه یک راه حل ملی برایش در پرتو منافع ملی در مقیاس کل کشور دریافت میکردند نه اینکه به دامن بیگانگان افتیده و مشروعیت حکومت شانرا زیر سوال ببرند این حرکت ها ارجحیت منافع شخصی، خود خواهی و خیانت ملی است که در نتیجه آن کشور ما تباہ و مردم ما برباد میگردد و تاریخ با این عناصر خود خواه و خاین محاسبه میکند.

با هزار دریغ و افسوس باید اذعان داشت که در سرلوحه فکر اکثریت مردم ما منافع جمعی تا کنون جای ندارد، یعنی این فکر حاکم در میان همه مردم است تقریباً همه با کمترین استثنا در پی برآورده شدن منافع شخصی خویش اند و کار منافع ملی اصلاً ندارند. این است دلایل اصلی مداخلات خارجی چه از جانب پاکستان، ایران و چه از جانب امریکا و سایر کشور ها باشد.

حرف ساده، دقیق و عملی این است اگر اشرف غنی رئیس جمهور در جریان خدمت و وظیفه داری اش کار را نباشد، در انتخابات بعدی برایش رای نمیدهیم اما چرا برای دور کردن او از قدرت به دامن روس، امریکا، پاکستان، ایران و دیگران خود را بیاندازیم. اگر طرح ملی برای بهبود اداره و سرنوشت مردم داریم چرا موضوع را از راه خشونت و بحران به کمک استخبارات خارجی میخواهید عملی کنید. چرا از طرق مشروع ملی خرد مندانه مانند مردمان سایر کشور های با تدبیر جهان این کار را عملی نمی سازیم. متأسفانه از همین جاست که بر اصل ماجرا میتوان پی برد یعنی اینکه آنچه برای این نابکاران غارت گریغوت گر مهم است منافع شخصی خود شان است که بخاطر آن دست و پا میزنند برای آنها مردم و وطن اصلاً هیچ معنی را افاده نمی کند.

تجارب گرانبهای کشور حدود ۹۰ درصد تخریب شده آلمان که در جریان جنگ دوم جهانی همه زیر ساخت هایش کاملاً منهدم شده بود بعد از جنگ دوم جهانی در بین متفقین چون طعمه چرب تقسیم گردید و هریک از این متفقین در آلمان طرح های در راستای منافع ملی کشور های خود شان را به منصفه اجرا قرار دادند. اما این ملت آلمان بود که با

درايت و درک منطقی از منافع ملی شان با حوصله مندی تمام در زیر سیطره سیاسی و نظامی در موجودیت هزاران نیرو های مسلح کشور های خارجی کشور شان را از زیر خرابه های جنگ برون کشیده و آنرا به بزرگترین قدرت تکنولوژیک و اقتصادی جهان مبدل ساختند.

همچنان تجربه کشور جاپان بعد از جنگ دوم جهانی و تجربه مرگبار دو بمب اتمی در شهر های یوریشیما و ناگاساکی و سیطره نظامی و سیاسی امریکا امروز یکی از بزرگترین قدرت های اقتصادی و تکنولوژیک جهان بسیار آموزنده میباشد.

این مثالها را بخاطری بیان کردم که اتحاد، رفاه، ترقی و پیشرفت دقیقاً امکان پذیر است که برای تحقق این آرمان بزرگ یعنی اتحاد ملی مردم ما بحیث یک ملت یک پارچه و واحد تحت نام مقدس افغان در این محدوده ای واحد جغرافیایی بنام افغانستان عزیز، افغانستان یک پارچه، افغانستان بدون رنگ و بوی قوم، خیل و تبار همه ما زیست باهمی را باید بیاموزیم، با اتحاد خویش به دور دولت مشروعیت دولت را افزایش داده و قدرت اش را در تأمین قانونیت در سراسر کشور بیشتر سازیم، اگر کسی بدستور اجانب طرحی نفاق افگانه ای را مطرح میکند او را به پنجه قانون بسپاریم، روحیه اعتماد را هم در خود و هم در میان مردم ایجاد کنیم.

نظام اداری و سیستم حاکمیت هر دولتی بیانگر تفکر و اراده مسئولین در تحقق عملی اهداف مطروحه در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میباشد، تنها آن نظامی این اهداف را عملی کرده میتواند که برویت منطق علمی علم اداره ایجاد و کار آمد باشد. بنا بر همه تحصیل یافته گان و همه مردم ما واجب است تا متحدانه هم در عمل و هم در اندیشه چنین سیستم سالم و تخصصی اداره در کشور را در کلیه سطوح اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، دفاعی، امنیتی، قضایی و فرهنگی به شکل کاملاً تخصصی و جوابگو همکار باشیم تا جوابگوی نیاز های جامعه ما باشد. برای حل و فصل مسایل کلان ملی و مدیریت ملی کشور سعی بر آن داشته باشیم تا فهم، خرد و آگاهی تخصصی خویش را سخاوتمندانه در اختیار مراجع مربوط قرار دهیم و همچنان از نظریات تخصصی و تجارب خویش مراجع اکادمیک و پوهنتون ها را مستفید سازیم تا طرح های سازنده و راه های برون رفت برای حل و فصل مسایل کلان ملی را به حکومت مشاوره بدهند. اگر ما طرح های ایده آل و پذیرفتنی برای رفاه مردم و وطن خویش داریم نباید در انتظار تخریب نظام موجود باشیم تا بعداً طرح های خویش را چون عبدالرب رسول سیاف و دیگران در دهه ۹۰ پیاده کنیم بلکه برعکس هر چه یاد داریم و هر خشت دگر داریم روی خشت های که به قیمت جان های شیرین مردم ما گذاشته شده بگذاریم. در هر حرکت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منافع علیای کشور یا بعباره دیگر منافع ملی ما در نظر ما الویت داشته باشد. آنگاه است که تجاوز خارجی کوتاه می آید، راه مداخله خارجی سد میگردد و راه برای زدودن بحران اعتماد و بحران های دیگر جامعه ما باز میگردد.

پایان